

تجلی آیین سوگواری ماه محرم در فرهنگ مردم ایران (با تأکید بر مراسم پیشواز و سوگواره‌ها)

رقیة حاجی محمدیاری^۱

چکیده

آداب، ارزش‌ها، مراسم و باورهای فرهنگی، پیشینه تاریخی، فرهنگی، دینی و هویت اجتماعی هر جامعه را شکل می‌دهند. ارزش‌ها و هنجارها در هر جامعه به عنوان مرجع رفتار شناخته می‌شوند و بر این اساس بررسی مراسم و مناسک که تجلی اعتقادات دینی هستند، اهمیت زیادی دارد. مراسم و آیین‌های دینی، موجب آمیختگی نمادین روحیات معنوی و جهان‌بینی می‌شوند و به این ترتیب، کارکرد اصلی دین به مثابه نظام فرهنگی، از خلال مناسک جمعی و بزرگ انجام می‌پذیرد.

فرهنگ شیعی، با قیام و شهادت امام حسین علیه السلام و عزاداری برای آن حضرت، درآمیخته است. در واقع، عزاداری، نمادی از احیای ارزش‌هایی است که قهرمان این واقعه، بر سر حفظ آنها از جان خویش و نزدیکان و یاران باوفایش گذشته است. عزاداری امام حسین علیه السلام نقش اساسی و مهمی در فرهنگ مردمان این سرزمین ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که شاید بتوان ادعا کرد، از تمام آیین‌ها و مناسکی که در نقاط مختلف کشور اجرا می‌شود، این آیین مذهبی فراگیرتر و ژرف‌تر است. نمایش گوناگونی این آیین‌ها از رسانه ملی، جامعه را با انواع این مراسم آشنا می‌سازد و به غنی‌سازی برنامه‌های مناسبتی یاری می‌رساند.

کلیدواژه: محرم، عزاداری، هیئت‌های عزاداری، سوگواره، عزاداری امام حسین علیه السلام

مقدمه

یکی از مهم‌ترین ارکان فرهنگ و جامعه شیعی ایران، هم از لحاظ دینی و هم به لحاظ فرهنگی، مقوله عزاداری ماه محرم است. عزاداری محرم، برای شیعیان، کانون مرکزی دینداری و تجربه دینی و برای نسل جدید، مجرای جامعه‌پذیری دینی و بستر بازتولید جهان اجتماعی - دینی است. اشکال مختلف این گفتمان و صورت‌های گوناگون آیین‌های عزاداری (دسته‌های زنجیرزنی، تعزیه و...) نظام منسجم و گسترده‌ای از آیین‌های مذهبی را حول این گفتمان ایجاد کرده است که سرتاسر یا دست‌کم بخش اعظم عرصه‌های حیات دینی مردم را دربرمی‌گیرد.

در واقع می‌توان گفت فرهنگ تشیع در ایران و سایر نقاط شیعه‌نشین، حول محوریت گفتمان کربلا و روایت‌های تاریخ‌مند آن شکل گرفته است. برای شناخت فرهنگ شیعی ایران، یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین موضوعات، شناخت حادثه عاشورا و سنت‌های فرهنگی - دینی شکل گرفته پیرامون این حادثه است.

آیین عزاداری به دلیل نقشی که در حیات مردم داشته، در صور مختلفی تبلور یافته و مردم آن را طی سازوکارها و صورت‌بندی‌های متنوعی بازسازی کرده‌اند. شکل سنتی تئاتر ایرانی یعنی تعزیه و نیز روضه، سفره‌های نذری، دسته‌های زنجیرزنی، هیئت‌های سینه‌زنی یا عزاداری و مجالس مکرر و متعددی که تحت تأثیر این گفتمان، حیات دینی مردم را تشکیل می‌دهند، همه بیانگر تکثر تجلیات گفتمان کربلا در زندگی مردم هستند.

در محرم‌الحرام سال ۶۱ هجری، کاروان حضرت امام حسین علیه السلام وارد کربلا شد و سپاهیان دشمن که هر روز بر تعدادشان افزوده می‌شد، در روزهای تاسوعا و عاشورا که روز نهم و دهم محرم بود امام حسین علیه السلام و یارانش را به شهادت رساندند. پیشوای هشتم شیعیان امام رضا علیه السلام درخصوص این ماه فرموده‌اند:

«در جاهلیت، حرمت این ماه نگه داشته می‌شد و در آن نمی‌جنگیدند، ولی در این ماه، خون‌های ما را ریختند و حرمت ما را شکستند و فرزندان و زنان ما را اسیر کردند و خیمه‌ها را آتش زده و غارت کردند و حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله را درباره ذریه‌اش رعایت نکردند.»

(بحارالانوار، ج ۲۶: ۲۸۳)

پیشواز ماه محرم

با نزدیک شدن ماه محرم، تمام شهرها و روستاهای ایران آکنده از حزن و اندوه می‌شود و همه مردم خود را برای مراسم عزاداری ماه محرم آماده می‌کنند. آماده‌سازی مساجد، تکایا و حسینیه‌ها و سایر مراسم پیشواز در پهنه ایران با ویژگی‌های فرهنگی و جغرافیایی متفاوت، در هر منطقه و هر شهر و روستایی به شکل‌های مختلف برگزار می‌شود.

آماده‌سازی مساجد، تکایا و حسینیه‌ها

نخستین گام در این زمان، نظافت و آماده‌سازی مساجد، حسینیه‌ها و تکایاست. در



راه‌اندازی این اماکن شریف، همه مردم از زن و مرد و پیر و جوان با شور و شوق شرکت می‌کنند. در آستانه محرم خیمه‌ها و چادرهای حسینیه‌ها و تکایا برافراشته و در و دیوار و صحن این اماکن غبارروبی، نظافت و سیاهپوش می‌شود. ستون‌ها و دیوارهای حسینیه‌ها را با اشعار و نوحه‌هایی در عزای شهدای کربلا می‌پوشانند. بر سر در حسینیه‌ها و تکایا بیرق و علم نصب می‌کنند و صحن حسینیه‌ها را با فرش‌های اهدایی و وقفی می‌پوشانند. فضای این اماکن با چلچراغ‌ها و لامپ‌های رنگی و مهتابی نورباران می‌شود و

بانیان عزای حسینی آنچه را برای ایام محرم و عزاداری نیاز است، تدارک می‌بینند. در خصوص کارکردهای مراسم استقبال از ماه محرم می‌توان گفت که همکاری و مشارکت جمعی با شاخص‌هایی چون آماده‌سازی تکایا، حسینیه‌ها، برپاداشتن چادرها، غبارروبی و نظافت حسینیه‌ها، تقسیم کار، احترام به بزرگ‌تر در قالب ریش سفید تکیه، الگودهی به کودکان در قالب تقسیم کار در تکیه و جمع‌آوری نذورات و پول برای برپایی تکیه، در این بخش از آیین خودنمایی می‌کند.

در مشهد مقدس، غبارروبی و نظافت حرم مطهر امام رضا علیه السلام در آستانه محرم با دقت و وسواس بیشتری به منظور استقبال از عزاداران حسینی انجام می‌گیرد. ابتدا خدّام حرم، فرش‌های کف حرم و صحن‌ها را جارو و شستشو می‌کنند و آنگاه به نظافت و تمیز کردن صحن‌ها، دیوارها، ستون‌ها و درهای حرم می‌پردازند. چلچراغ‌ها را هم با دقت گردگیری و تمیز می‌کنند تا با درخشش خود بیش از پیش حرم را نورانی کنند و سرانجام ضریح را گردگیری می‌کنند و با گلاب خالص قمصر شستشو می‌دهند. پس از فراغت از غبارروبی، خدّام حرم با لباس‌های سیاه و خدّام سادات با حمایل کردن شال سبز، آماده استقبال از زائران و عزاداران می‌شوند.

امروزه نیز مقدمه عزاداری در مشهد از روز عرفه آغاز می‌شود. در این روز، دسته‌ها و هیئت‌های عزادار در صحن حرم حضور می‌یابند و به نوحه‌خوانی و سینه‌زنی می‌پردازند و مشرف شدن امام حسین علیه السلام از مکه به کربلا را محترم می‌شمارند. (رضایی، مشهد، ۱۳۷۷)

در دستجرد قم، مقدمه مراسم عزاداری، برپاداشتن تکایا بود. به طور معمول ۱۰-۵ روز

قبل از محرم دست‌اندرکاران و متولیان هر تکیه، گروهی از نوجوانان را با بیرقی، مأمور جمع‌آوری نخ و پارچه کرباس می‌کردند. این گروه که ۴-۳ نفر بودند، از کوچه‌های محله عبور می‌کردند و با چاووش «حسین حسین، شهید کربلا حسین» خبر آمدن محرم را به مردم می‌دادند و اهل هر محله بویژه زنان وسایل لازم را در اختیار آنها می‌گذاشتند. این کار چندین روز به طول می‌انجامید.



البته به جز نخ و وسایل دوخت و پارچه، مقداری پول و وسایل دیگر هم جمع‌آوری می‌شد. متولی تکیه دو روز قبل از محرم در مسجد یا تکیه از مردم کمک می‌خواست تا جمع شوند و چادر را از انبار بیرون بیاورند. چادر در محوطه تکیه پهن می‌شد و جایی که

احتیاج به وصله داشت ترمیم می‌شد، همچنین طناب، بازدید و در صورت احتیاج نوسازی می‌شد. پس از اینکه از تعمیر چادر و تیرک و طناب‌ها و تهیّه میخ‌های بزرگ آهنی فارغ می‌شدند، با فراخوان کمک بیشتر از مردم بویژه جوانان که قدرت بیشتری داشتند، در فرصتی مناسب، مراسم برپا کردن چادر برگزار می‌شد. ابتدا تیر بزرگ محور مرکزی در محل قرار می‌گرفت. البته این کار از جانب مردی مجرب کارگردانی می‌شد و سپس طناب‌های متعدّد در محل‌های مناسب اطراف اضلاع چادر بویژه تیرکی که متصل به چند طناب قوی و بلند و محکم بود، آماده می‌شد. سپس به پشت بام‌های اطراف تکیه می‌رفتند. اگر هم بعضی از این بام‌ها راهرو نداشت، از خانه همسایه‌ها اجازه ورود می‌گرفتند و به پشت بام می‌رفتند. مراسم برپا کردن چادر همزمان با دستور کارگردان اصلی با سر دادن «یا حسین» آغاز می‌شد. بعضی تکیه‌ها خیلی بزرگ بودند و مراسم اصلی عاشورا (تعزیه، نخل‌گردانی و ...) در ظهر عاشورا در این مکان‌ها به اجرا درمی‌آمد. جالب اینجاست تا زمانی که محور اصلی تیرک‌ها (سه تیر پایه اصلی) کاملاً استقرار نمی‌یافت و طناب‌های آن بسته نمی‌شد، صدای «یا حسین» قطع نمی‌گردید. بعد از اتمام مرحله برپا کردن چادر، متولیان نفس راحتی می‌کشیدند و همگی به خوردن چای، نان شیرینی و... که مردم آورده بودند، دعوت می‌شدند. پس از آن نوبت به نظافت و تزیین و سیاهپوش کردن تکیه می‌رسید. پارچه‌های مخصوصی که روی آن اشعار محتشم کاشانی (باز این چه شورش است که در خلق عالم است) نوشته شده بود، به همراه پارچه‌های عزا و سیاه بر دیوارهای تکیه نصب می‌کردند.

برای تهیّه وسایل عزاداری مثل زنجیر، چوب‌های مخصوص معروف به «حسن چوب»، سپر، شمشیر، طبل، شیپور، نقاره و لباس تعزیه‌خوان‌ها، انواع علم و پرچم و بیرق بویژه نخل که سمبل تابوت امام حسین علیه السلام بود، باید از قبل برنامه‌ریزی می‌کردند. آماده کردن و بستن نخل‌کاری بسیار پر زحمت و دقیق بود. گاهی یک نخل از صدها قسمت تشکیل می‌شد. تزیین نخل با پارچه‌های متنوع مخصوص و نمای جلوی نخل و اطراف آن که گاهی فقط ۲۰-۳۰ شمشیر، آینه و شمایل به کار گرفته می‌شد، کار پرحمّتی بود که باید قبل از آغاز محرم مقلّمات آن انجام می‌شد. (سلامی، سمنان، ۱۳۸۵)

در سال‌های اخیر روستایی‌ها سنج، طبل، دهل، زنجیر، علم، پرده، پارچه‌های سیاه، شال، بلندگو و همه آنچه را که لازم است،

از شهر خریداری می‌کنند و به آبادی می‌آورند، اما در گذشته همه این ابزارها دست‌ساز صنعتگران محلی بود؛ از جمله نوعی طبل یا دهل محلی به نام آگم «âgam» یا آگیم «âgim» که از دو یا سه تخته خمیده تشکیل شده بود. این تخته‌ها را در کنار هم قرار می‌دادند و میخ می‌زدند تا به شکل استوانه یا دایره درمی‌آمد. سپس پوست بز و بزغاله را در آب می‌خیساندند و



پس از دباغی روی طرفین آن می‌کشیدند و طبلی خوش صدا می‌ساختند. (رجایی زفره‌ای، اصفهان، ۱۳۸۱)

همچنین در گذشته‌ها که مثل امروز برق نبود، برای روشنایی چند نوع چراغ آماده می‌شد: چراغ توری که به آن زنبوری هم می‌گفتند، برای داخل تکیه و راهروها، چراغ گردسوز برای داخل اتاق‌ها و محل‌های کوچک‌تر و فانوس برای کوچه‌های منتهی به تکیه، همه این وسایل نیز نفت‌سوز بودند. برای دسته هم از مشعل استفاده می‌شد. (سلامی، سمنان، ۱۳۸۵)

یکی دیگر از لوازم مورد نیاز تکیه یا حسینیه، وسایل گرمایشی و سرمایشی بود. وسایل سرمایشی، به دلیل نداشتن برق، فقط بادبزن بود. ضمن آنکه محوطه حسینیه را نیز آب‌پاشی می‌کردند. اما در زمستان، بخاری هیزمی و نفتی بود و در حجره‌ها گاهی کرسی برپا می‌کردند. همچنین منقل‌هایی که در آن آتش ذغال روشن می‌کردند. (همان)

یکی دیگر از اشیای جانبی حسینیه‌ها در تابستان‌ها بادبزن‌های بزرگ سققی بود که به جای کولرهای برقی امروزی استفاده می‌شد. به این صورت که قطعه الواری را که بر

لبه‌های یک طرف آن از دو سو پارچه‌های زمختی را چین داده بودند، از زیر چادر می‌آویختند و طنابی به آن می‌بستند و آن را به یک طرف بام می‌رساندند و مرد زورمندی آن را می‌کشید و بعد رها می‌نمود که از آن نسیم و بادی جریان پیدا می‌کرد. سپس می‌ایستاد و دو مرتبه آن را می‌کشید. این نیز از جمله ثواب‌ها بود که دسته‌ای بالای بام به نوبت می‌ایستادند و این کار را مدام تکرار می‌کردند. (قومی، سمنان، ۱۳۴۹)

پس از آماده کردن وسایل و نظافت حسینیه‌ها و تکیه‌ها، آنها را سیاه‌پوش می‌کردند. سیاه‌پوشی این مکان‌ها چنان بود که حتی به مقدار نیم آجر سیاه‌پوش نشده باقی نمی‌گذاشتند؛ همه جا از سر تا پا سیاه‌پوش و زیورپوش می‌شد و به انواع پرچم‌ها و کتل‌ها و علامت‌ها و سه شاخه و دوشاخه و پنج‌شاخه^۱ آراسته می‌گردید.

این تکایا با کتیبه‌هایی حاوی اشعار جانسوز شعرای مرثیه‌سرای نامی مانند محتشم، جودی و جوهری چنان صورت عزاخانه می‌گرفت که اگر هیچ یک از تجملات دیگر در آن به کار نرفته بود، همین کتیبه‌های سیاه کافی بود تا آن را به صورت عزاخانه درآورد، چنانچه در هر زمان از ایام سال هم بر سردر و جرزهای هر خانه و مکان که از این سیاهی نصب می‌شد، نشان‌دهنده آن بود که در آن مکان روضه و تعزیه برپاست، اگرچه در داخل آن هیچ‌گونه تشریفات و تشکیلات دیگر دیده نمی‌شد. شیواترین اشعار در این زمینه از آن محتشم کاشانی بود که به لحاظ استحکام و انسجام شعری و قدرت بیان بی‌نظیر بود:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

باز این چه رستخیز عظیم است کز جهان

بی‌نفس صور خاسته تا عرش اعظم است

کشتی شکست خورده طوفان کربلا در خاک و خون فتاده به میدان کربلا

۱. لاله‌های دیوارکوب

۲. پارچه‌های سیاهی در عرض پنجاه یا شصت سانتی‌متر که در آن نقوش و ابیاتی مهر زده شده بود و به علامت تشکیل عزاخانه آن را بر دیوار حسینیه‌ها و تکایا نصب می‌کردند.

از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا

بر خوان غم چو عالمیان را صلا زدند اوّل صلا به سلسله انبیا زدند

نوبت به اولیا که رسید آسمان تپید زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند

دعوت از روحانی یا روضه‌خوان هم در روزهای قبل از ماه محرم انجام می‌پذیرفت. روحانی مهمان معمولاً در خانه کدخدا یا در برخی مناطق در خانه یکی از اهالی اسکان می‌یافت. این روحانی از شب آغاز ماه محرم تا شب سوّم شهادت به وعظ و روضه‌خوانی می‌پرداخت.^۱ در بیشتر مناطق (شهر، روستا)، برای برپا داشتن مراسم سوگواری از یک روحانی جهت اجرای مراسم سخنرانی و روضه‌خوانی دعوت به عمل می‌آمد.

چاووش خوانی

در آران و بیدگل معمولاً یک هفته مانده به شروع ماه محرم، افرادی به نام «چاووشی» با دست گرفتن یک پرچم کوچک (چوب آن از جنس نی و گاهی هم از خیزان و پارچه آن به رنگ قرمز و مثلث شکل است) سوار بر اسب در کوچه‌ها و معابر به حرکت درمی‌آمدند و با خواندن اشعاری مناسب مردم را از آمدن ایام سوگواری مطلع می‌ساختند:

ای اهل عزا ماه محرم شده نزدیک ایام غم و محنت و ماتم شده نزدیک

ای اهل عزا خون دل از دیده ببارید چون ماتم سالار شهیدان شده نزدیک

چاووش عزای شه دین می‌رسد از راه گوید به نوا غافله غم شده نزدیک

یا:

محرم آمد و ماه عزا شد جهان یکسر همه ماتم‌سرا شد

ببارید از دو دیده اشک ماتم دلم خون بهر شاه کربلا شد

با شروع حرکت چاووش‌های عزا، به دستور بابای محله، جوانان، اقدام به سیاهپوش کردن حسینیه و بستن تکیه می‌کردند. ضمناً بعدازظهرها، تعدادی از کودکان خردسال در

۱. معماریان، قم، ۱۳۷۷ / نائیچی، آمل، ۱۳۷۷ / قریشی، ساری، ۱۳۵۴ / اختری، گرگان، ۱۳۴۶

دسته‌های ده تا بیست نفری، بعضی از نوحه‌های مربوط به واقعه کربلا و شهادت حضرت امام حسین علیه السلام را به صورت دسته‌جمعی می‌خواندند و فرارسیدن ایام عزاداری سیدالشهدا علیه السلام و یاران وفادارش را به مردم یادآور می‌شدند. (امینیان، اصفهان، ۱۳۷۱)

همچنین در روستای مهرجان بیابانک یک شب مانده به ماه محرم چاووشی خوان بالای گلدسته مسجد می‌رفت و به خواندن چاووشی می‌پرداخت تا مردم روستا بدانند که امشب شب پیشواز عزاداری امام حسین علیه السلام است و خود را برای مراسم محرم آماده کنند. (سامعی، بیابانک، ۱۳۴۶)

بستن سقاخانه

در گذشته کسانی که سقاخانه داشتند، چند نفر از جوانان و بستگانشان را به روال هر



سال به در خانه‌های دوستان و آشنایان و همسایگان می‌فرستادند و از آنها پارچه‌های سیاه، طلب می‌کردند و هر کس تمایل داشت، پارچه سیاهی را تحویل بیک‌ها می‌داد. برخی از زنان هم سربندها و پیراهن‌های سیاه خود را به عاریه می‌دادند تا سقاخانه را سیاهپوش کنند، بعد روز آخر محرم آنها را به نیت تبرک پس می‌گرفتند.

پس از جمع‌آوری پارچه چند نفر از جوانان پس از گرفتن وضو، سقف سقاخانه را سیاهپوش می‌کردند و سپس نوبت به سیاهپوش کردن دیوارها و ستون‌های سقاخانه

می‌رسید. هنگام سیاهپوش کردن سقاخانه هم چند نفر با دود کردن اسفند و فرستادن صلوات و لعنت بر یزید و پاشیدن گلاب بر سقاخانه، خدمتگزاران امام حسین علیه السلام را همراهی می‌کردند. (کرزبر یاراحمدی، بروجرد، ۱۳۸۱ / خرسندی، فیروزکوه، ۱۳۴۸)

در بروجرد چند روز مانده به محرم مردم خود را برای بستن سقاخانه آماده می‌کردند. سقاخانه به این ترتیب ساخته می‌شد که هر کس نذری داشت، یکی از اتاق‌های خانه‌اش را به این کار اختصاص می‌داد. اول اتاق را از هر گونه وسایل اضافی خالی می‌کردند و فقط فرش و احیاناً پرده‌ها باقی می‌ماند. بعد دیوارها را از سقف تا کف اتاق با پارچه سیاه می‌پوشاندند. آنگاه در بالای اتاق یک منبر چند پله‌ای قرار می‌دادند و آن را سیاهپوش می‌کردند. در هر یک از پله‌های منبر هم سه تا چهار چراغ نفتی می‌گذاشتند که اغلب از چراغ‌های قدیمی بودند، به این اتاق سقاخانه می‌گفتند و تا آخر دهه محرم و گاهی تا بیست و هشتم صفر باقی می‌ماند و دوستان و آشنایان و حاجتمندان برای برآورده شدن آرزویشان در این سقاخانه به عزاداری و خواندن زیارت عاشورا می‌پرداختند. (وکیلی، بروجرد، ۱۳۴۷)

عزاداری سقایان هم از گذشته‌های دور در بسیاری از شهرها از جمله کاشان مرسوم و رایج بوده است. این عزاداری بسیار ساده و بی‌تکلف و بیشتر در ایام عزاداری امام حسین علیه السلام و یارانش برگزار می‌شد.

عزاداری سقایی عبارت بود از خواندن مصایب حضرت سیدالشهدا علیه السلام که به صورت ذکر گفتن و نوحه‌خوانی دسته‌جمعی و هماهنگ انجام می‌گرفت. تفاوت بین ذکر و نوحه‌سرایی دستجات سقایی با غیرسقایی آن بود که ذکر و نوحه‌سرایی سقایان دارای آهنگ سنگین بود و بدون سینه‌زدن و طبل و سنج نواختن خوانده می‌شد:

در مجالس عزاداری سقایی رسم بر این بود که ابتدا مدح و منقبت اهل بیت، خاصه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام خوانده می‌شد و مرثیه و نوحه‌خوانی خاتمه می‌یافت. ناگفته نماند که مجلس عزاداری سقایی با نوحه‌سرایی سرپرست هیئت آغاز می‌شد و رسمیت می‌یافت و در آخر با دعای او به پایان می‌رسید.

پس از خواندن نوحه و رسمیت یافتن مجلس خوانندگان دیگر به ترتیب به نوحه‌سرایی می‌پرداختند. آهنگ‌ها و ضرباهنگ ذکرهای سقایی برگرفته از مقام‌های موسیقی اصیل ایرانی بود و اغلب در مایه‌های شور، دشتی، ابوعطا، همایون، شوشتری و افشاری خوانده می‌شد.

آبی دهم به یاد لبانت حسین حسین
بر شیعیان به ماه عزایت حسین حسین
(شوشتری)

عمو به فدای تو شود جان سکینه
بنگر رخ زرد و لب عطشان سکینه
(افشاری)

چو شد سقای مظلومان روانه جانب میدان
سکینه گفت با افغان عمو جان تشنه ام تشنه
(شوشتری)

زهر حسینت آمده در کربلا مهمان
آورده همراه خود هفتاد و دو قربان
(دشتی)

دستجات سقایی هنگام عزاداری همراه با هیئت، مشکی از آب بر دوش و جامی در دست می گرفتند و به یاد لب تشنه شهدای کربلا به عزاداران آب می دادند. برخی از پدران و مادران نذر می کردند، اگر خداوند به آنان فرزندی عطا کند یا فرزندشان شفا یابد، او را خادم اباعبدالله الحسین علیه السلام و عضو هیئت سقایان کنند. از این رو در زمان معین - معمولاً هفت سالگی فرزندشان - مجلسی تدارک می دیدند و از سرپرست هیئت سقایی و سقایان دعوت می کردند تا در آن مجلس شرکت کنند و فرزندشان را کسوت سقایی بپوشانند و آنها را در صف خادمان امام حسین علیه السلام وارد سازند. سقایان پس از حاضر شدن در مجلس ابتدا به ستایش خداوند و مدح و منقبت خوانی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام می پرداختند، آنگاه به مرثیه خوانی و ذکر و نوحه سرایی سقایی متوسل می شدند. در این هنگام کودک را به مجلس می آوردند و به دست سرپرست هیئت می سپردند. طبقی را هم که یک دست لباس سقایی در آن بود و در کنار آن ظرفی از گلاب و شیرینی قرار داشت، نزد سرپرست هیئت می گذاشتند و از او خواهش می کردند

فرزندشان را به کسوت سقایی امام حسین علیه السلام درآورد. او نیز قصیده‌ای را که مخصوص سقا کردن افراد و پوشاندن لباس سقایی به قامت آنها بود، با همراهی سقایان می‌خواند و لباس یا لوازم سقایی (کلاه ترمه، کشکول و...) را به کودک می‌پوشاند.

ابتدا می‌کنم ز بسم الله	بعد از آن لا اله الا الله
از محمد مدد همی طلبم	کرمی از علی ولی الله
ما بنده لاله الا اللهیم	بر دین محمد بن عبداللهیم
اولاد رسول هست تاج سر ما	خاک قدم علی ولی اللهیم
توحید که لاله الا الله است	اسلام محمد رسول الله است
با این دو سخن کسی به جایی نرسد	گر بی خبر از علی ولی الله است

پس از خواندن ابیات فوق، نوبت به خواندن ذکر و مصیبت امام حسین علیه السلام و یارانش می‌رسید و بیت آخر هر بند را همه افراد هیئت دم می‌گرفتند و با هم می‌خواندند:

باز بر سر زد مرا ای شیعه سودای حسین
 شد دلم از شور غم یکباره شیدای حسین
 نوشم از جام الم هر لحظه صهبای حسین
 اشک حیرت بارم از یاد غم افزای حسین
 شورش ماتم بیان سازم ز غم‌های حسین
 جانم باشد فدای تو یا حسین

«کم غصه نیست و درد و عزای تو یا حسین»

پس از پوشاندن لباس سقایی به کودک و ختم قصیده، مراسم را با دعا و فاتحه‌خوانی پایان می‌دادند و بر سر و روی حاضران گلاب می‌پاشیدند و کام همه را شیرین می‌کردند. آنگاه از طرف والدین کودک، هیئت و تمام حاضران اطعام می‌شدند و به سرپرست هیئت که فرزند صاحبخانه را به کسوت سقایی پذیرفته بود، هدیه‌ای تقدیم می‌کردند.

آن کودک از آن روز تا آخر عمر رسماً سقا محسوب می‌شد و جزو اعضای هیئت سقایی به شمار می‌آمد و موظف بود در هر مکان و هر زمان که مجلس عزاداری سقایی برپا می‌شد و سقاها را دعوت می‌کردند، حاضر شود و ادای وظیفه کند. چنانچه سقایی

بدون عذر موجه در وظیفه سقایی کوتاهی می‌کرد، این کار او را ناپسند و پیمان‌شکنی و بی‌حرمتی به ساحت مقدس امام حسین علیه السلام می‌دانستند. در گذشته، کسوت سقایی آنقدر محترم بود که فرزندان سقایان هم گرچه به طور رسمی سقا نبودند، اما برای ادامه راه پدری که عمری سقای سیدالشهدا بوده است، در مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام شرکت می‌جستند و از عمل و اعتقاد پدران خود پیروی می‌کردند.

سوگواره‌های محرم

عزاداری در مصائب ائمه طاهرين بویژه امام حسین علیه السلام از دیرباز در شهرهای شیعه‌مذهب و در بسیاری از مناطق ایران برگزار می‌شد و در اشکال و قلمرو وسیع خودنمایی می‌کرد. در واقع، شعایر و مناسکی که در ایام محرم به کار می‌رود، بخشی از مجموعه آداب و رسومی است که در کل آیین‌های دینی دیده می‌شود و کارکرد آن بخشی از کارکرد کل آداب و مناسک و شعایر دینی است.

از جمله کارکرد محسوس مجالس سوگواری (نوحه‌خوانی، سینه‌زنی و...) رشد جنبه‌های عاطفی افراد جامعه و انگیزه‌های دگرخواهانه است. در مجالس حضرت سیدالشهدا علیه السلام رفتارها صمیمی و غیررسمی می‌شود و ما اغلب دیگران را مقدم بر خود می‌دانیم و در نتیجه انسجام و یکپارچگی بیشتری بین عزاداران پدید می‌آید.

مراسم روضه‌خوانی و نوحه‌خوانی

ذکر مصیبت، سنتی برای احیای یاد و نام ائمه علیهم السلام و مطرح نگه داشتن حادثه عاشورا است. در این برنامه چه به صورت مقطع پایانی سخنرانی و موعظه و چه به صورت مستقل، حوادث کربلا و کیفیت شهادت امام حسین علیه السلام و یاران او و نیز امامان علیهم السلام دیگر به صورتی سوزناک نقل می‌شود که سبب تحریک عواطف و گریستن بر سیدالشهدا علیه السلام می‌گردد. معمولاً نقل حوادث بر اساس مقتل‌ها انجام می‌گیرد.

در شهر کرمان اشخاصی که توانایی مالی یا نذر داشتند، از شب اول تا دهم محرم روضه‌خوانی برگزار می‌کردند. اغلب خارج از اتاق‌ها یعنی روی صحن خانه را فرش می‌کردند و منبری چند پله را در صدر خانه قرار می‌دادند. روی پله‌های منبر را هم حتماً با کناره‌های قالی می‌پوشاندند. فضای حیاط با چادرهای بزرگ مخصوص سفیدرنگ که از پارچه ضخیم درست شده بود، پوشانده می‌شد تا از آفتاب و باران مصون بماند. قسمتی از صحن خانه با کشیدن چادرهای مخصوص برای روضه‌خوانی بانوان اختصاص داده می‌شد و معمولاً این قبیل مجالس بسیار مفصل بود. یک اتاق، مخصوص روحانی‌ها، یک اتاق، مخصوص رجال و یک اتاق، مخصوص زنان بود. محلی هم برای آبدارخانه انتخاب می‌شد. این مجالس معمولاً ۵ تا ۱۰ روضه‌خوان و یکی دو نفر پامنبری‌خوان که پای منبر شروع به خواندن اشعار مذهبی و مرثیه می‌کردند، داشت. گاهی آن قدر جمعیت زیاد می‌شد که عده‌ای به پشت بام می‌رفتند. این مجالس ده روز طول می‌کشید و در شب آخر یا شب عاشورا صدقه می‌دادند. در دالان خانه محلی برای روشن کردن شمع در نظر می‌گرفتند و از گل رس ۱۰۰ ظرف به شکل شمعدان درست می‌کردند و تمام مردم برای نذر و روشن کردن شمع به این محل می‌آمدند و پس از روشن کردن شمع مقداری خرما یا خشک یا نقل پای شمع می‌گذاشتند. این مراسم تا صبح عاشورا ادامه داشت، زیرا مردم شب عاشورا نمی‌خوابیدند و از این مجلس به آن مجلس و از این حسینیه به آن حسینیه می‌رفتند. (کازرونی زند، کرمان، ۱۳۵۳)

اما مراسم روضه‌خوانی در دشتی و کاکلی بوشهر به دو صورت روضه‌خوانی کتابی و روضه‌خوانی منبری بود. روضه‌خوانی کتابی در ده شب محرم به وسیله کسانی که سواد کافی داشتند، از روی کتاب که بیشتر کتاب «روضه‌الشهدا» بود، به مدت نیم تا یک ساعت خوانده می‌شد. معمولاً این نوع روضه‌خوانی پیش از روضه‌خوانی منبری و مراسم سینه‌زنی اجرا می‌شد. این کتاب شامل ده باب بود که از اول محرم به ترتیب می‌خواندند: باب اول در حالات یوسف و یعقوب، باب دوم در شهادت حمزه، باب سوم در وفات حضرت پیامبر اسلام ﷺ، باب چهارم در احوال حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها)، باب پنجم در شهادت امیر مؤمنان علی علیه السلام، باب ششم در حالات امام حسن علیه السلام، باب هفتم در حالات مسلم و

شهادت او، باب هشتم در احوالات فرزندان مسلم بن عقیل، باب نهم در حالات یاران و اصحاب امام حسین علیه السلام، باب دهم در احوالات امام حسین علیه السلام و شهادت ایشان. روضه خوانی منبری معمولاً پس از مراسم کتابخوانی برگزار می‌شد و روحانیون، مردم را بر سر منبر به تقوا و انجام فرایض دینی راهنمایی می‌کردند و آخر سر ذکر مصیبتی در ماتم شهدای کربلا می‌خواندند.

مرثیه و نوحه دو نوع ادبی هستند که با وجود تشابهات مضمونی و محتوایی، هر کدام ویژگی‌ها و کارکردهای خاص خود را دارند. مرثیه در لغت به معنی گریستن بر مرده و ذکر خوبی‌های اوست و در اصطلاح یکی از انواع شعر غنایی به‌شمار می‌رود که موضوع آن تأسّف و تأثر از مرگ کسی یا از دست رفتن چیزی است. می‌توان گفت سرودن مرثیه هنگام سوگواری برای درگذشتگان از روزگاران گذشته در بین ملت‌ها رواج داشته و بخش مهمی از مرثیه‌های شعر فارسی به صورت مشخص در رثای اولیای دین و ائمه شیعه علیهم السلام بوده است. سرودن مرثیه‌های ادبی با زمینه رویداد کربلا از گذشته‌های تقریباً دور آغاز شده که از نخستین نمونه‌های مرثیه‌های مذهبی، اشعاری است که سنایی غزنوی در کتاب «حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه» درباره شهادت امام حسین علیه السلام سروده است.

با رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران به روزگار صفویّه (۹۰۷-۱۱۴۸ ق) شعر مذهبی و مرثیه‌سرایی رونقی دیگر گرفت و در این زمان، محتشم کاشانی (۹۹۶ ق) با سرودن ترکیب‌بند معروف خود نامی جاویدان در تاریخ ادبیات ایران پیدا کرد.

نوحه نوعی از مرثیه‌های مذهبی است که با آهنگ و لحن خاص در مجالس سوگواری امام حسین علیه السلام همراه با مراسم سینه‌زنی و زنجیرزنی خوانده می‌شود. پیشینه نوحه‌سرایی و نوحه‌خوانی برای شهدای کربلا ملازم پیشینه سوگواری‌های عاشورایی است. از آنجا که مراسم سوگواری با حضور توده‌های مردم و به صورت یک نمایش عملی و جمعی انجام می‌شود، خواندن اشعار ساده آهنگین و محزون بهترین وسیله برای جلب احساسات و ایجاد یگانگی و هماهنگی در جمع بود. برای اطلاع از چگونگی اجرای این مناسک به نحوه برگزاری آن در چند قسمت از کشور اشاره می‌شود:

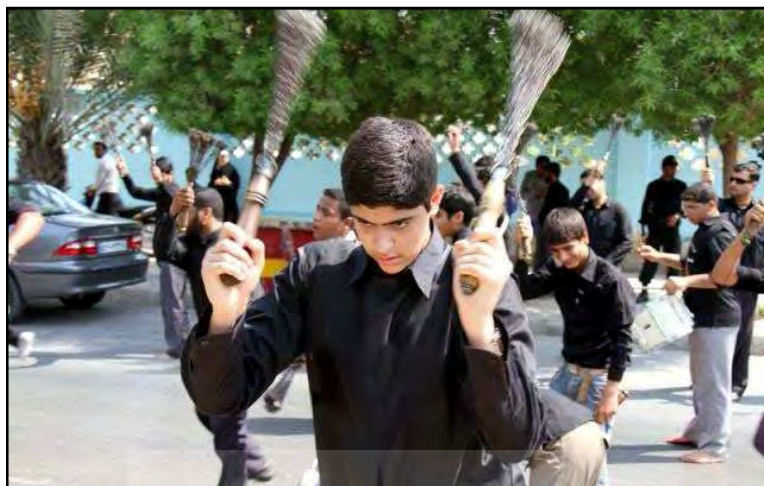
در فردوس از روز نخست محرم، در حسینیه‌ها و خانه‌های کسانی که روزه‌خوانی وقفی داشتند، صبح و بعدازظهر روزه‌خوانی تا صبح روز پنجم برپا می‌شد. عصرها هم مجالس روزه‌خوانی، یک روز در میان در محله‌های میدو و کرگو برپا می‌شد و همه اهالی فردوس در مجالس روزه‌خوانی شرکت می‌کردند.

از روز ششم محرم هم دسته‌های زنجیرزنی و سینه‌زنی به همان ترتیب، صبح و بعدازظهر برپا می‌شد. سینه‌زنان و زنجیرزان، سر راه خود، به خانه‌هایی که تازه عزیزی را از دست داده بودند، سر می‌زدند و چند دقیقه‌ای در آنجا به عزاداری و سینه‌زنی می‌پرداختند.

دسته‌های عزاداری محله‌های سادات و تالار، زنجیرزن و دسته‌های محله‌های میدو و کرگو سینه‌زن بودند. این دسته‌ها پس از عزاداری و گذشتن از شهر، هر روز به یکی از حسینیه‌های فردوس باز می‌گشتند. ملأح‌ها و مرثیه‌خوان‌ها بالای منبر می‌رفتند و با خواندن نوحه و مرثیه، عزاداری را ادامه می‌دادند. پس از آن از عزاداران با آبگوشت پذیرایی می‌شد. ناگفته نماند که از گذشته، در هر محله، موقوفاتی مخصوص عزاداری امام حسین علیه السلام وجود داشت که از درآمد آنها خرج ساختمان حسینیه‌ها و تهیه لباس سیاه و نهار سینه‌زنان و زنجیرزان و عزاداران تأمین می‌شد. چون نذری‌ها از موقوفات امام حسین علیه السلام بود، مردم فردوس خوردن آن را خوب می‌دانستند. سینه‌زنی و زنجیرزنی هم مانند روزه‌خوانی، صبح و بعدازظهر برگزار می‌شد و هر روز صبح و بعدازظهر با نواختن شیپور عزا مردم و عزاداران را آگاه می‌کنند تا به حسینیه بیایند. (هراتی‌زاده، فردوس، ۱۳۴۶)

سینه‌زنی و زنجیرزنی

از نمادهای مراسم سنتی عزاداری برای سیدالشهدا علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام سینه‌زنی و زنجیرزنی است که همراه نوحه‌خوانی انجام می‌شود. اصل این سنت بویژه در میان عرب‌ها رواج داشت و بعدها به مرور زمان به شکل امروزی درآمد. برای انجام این مناسک، نوحه‌های سنگین را انتخاب می‌کنند و با دست یا زنجیر بر سینه و پشت می‌زنند.



زنجیر، مجموعه‌ای از حلقه‌های ریز متصل به هم است که به دسته‌ای چوبی یا فلزی وصل می‌شود و در ایام عاشورا، به صورت دسته‌جمعی و در هیئت‌های عزاداری، همراه با نوحه‌خوانی، به پشت زده می‌شود. اغلب در این مراسم از سنج هم استفاده می‌کنند. در برخی مناطق، شیوه زنجیرزنی و سینه‌زنی متفاوت است و با حرکات و آواهای خاصی انجام می‌پذیرد:

در شیراز، حرکت دسته‌های سوگواری در دو نوبت انجام می‌گرفت؛ یک نوبت قبل از ظهر و نوبت دیگر شب‌ها که گاهی تا نیمه‌شب طول می‌کشید. حرکت هر دسته از مسجد محل شروع می‌شد و هر کدام از چند خیابان و کوچه می‌گذشتند تا به مسجد وکیل برسند. پس از آنکه در مسجد وکیل به حال اجتماع عزاداری می‌کردند، دوباره به محل‌های خودشان برمی‌گشتند و متفرق می‌شدند. جلوی هر دسته‌ای، علم‌ها و کتل‌ها و بیرق‌ها را می‌بردند و بعد زنجیرزن‌ها در دو صف مقابل هم حرکت می‌کردند؛ نفرات اول هر دو صف ریش‌سفیدها و بزرگ‌ترها بودند و زنجیرهای این اشخاص از برنج یا ورشو درست می‌شد و از زنجیرهای معمولی پرشاخه‌تر بود. وسط دسته‌های زنجیرزن چند نوحه‌خوان اشعاری را می‌خواندند و دسته جواب می‌داد. پس از زنجیرزن‌ها، نوبت به دسته سینه‌زن‌ها می‌رسید که به ردیف چهار حرکت می‌کردند و دو قسمت می‌شدند؛ قسمت اول یک

مصراع از نوحه را دسته‌جمعی دم می‌گرفتند و گروه دوم در حالی که دست بر سر می‌زدند، جوابشان را می‌دادند. (صبحدم، شیراز، ۱۳۴۶)

در روستای خمس خلخال تا روز پنجم محرم، شب‌ها عزاداران در هیئت‌های خود به عزاداری می‌پرداختند و از شب ششم دسته‌های عزاداری سینه‌زنان و زنجیرزنان به سمت مسجد جامع روستا حرکت می‌کردند. عزاداران سه هیئت از مسجد جامع، با تشکیل یک دسته بزرگ از سوگواران، اعم از سینه‌زن و زنجیرزن، به سمت امامزاده سیدابراهیم که در ضلع جنوبی روستای خمس واقع شده است، حرکت می‌کردند. بیست علمدار، دسته را همراهی می‌کردند که بزرگ‌ترین علم موسوم به علم حضرت ابوالفضل علیه السلام، در جلوی عزاداران قرار داشت. نخستین گروه عزادار، پیشکسوتان و ریش‌سفیدان بودند که در جلوی دسته حرکت می‌کردند و آهسته و آرام بر سینه می‌زدند. پس از پیشکسوتان، جوانان زنجیرزن و بعد از آن سینه‌زنان قرار داشتند که در صفوفی منظم به عزاداری می‌پرداختند و سرانجام نوجوانان و کودکان و زنان نذردار، پای پیاده و پا به پای مردان، مسیر طولانی حرکت دسته تا امامزاده ابراهیم را طی می‌کردند. برخی از زنان هم که نذر داشتند، با شربت از عزاداران پذیرایی می‌کردند.

در مسیر حرکت به سمت امامزاده آقا سیدابراهیم، عزاداران به هر محله و قبرستان و حسینیه‌ای که می‌رسیدند، صلوات می‌فرستادند و فاتحه می‌خواندند و فریاد «حسین وای» سر می‌دادند. شیپورزنان هم با نواختن آهنگ حزین عزا، مقدم آنان را گرامی می‌داشتند. در این هنگام علمداران سر علم‌هایشان را به نشانه احترام و تسلیت به امامزاده پایین می‌آوردند و عزاداران با نظم وارد صحن امامزاده می‌شدند و سه مرتبه دور آن می‌گشتند و چند دقیقه سوگواری می‌کردند و سوگنامه‌ای می‌خواندند. آنگاه با همان نظم و ترتیب، صحن امامزاده را ترک می‌گفتند و سینه‌زنان به مرکز و حسینیه خود باز می‌گشتند.

این روال عزاداری تا شب تاسوعای حسینی ادامه می‌یافت. ناگفته نماند که در این ایام، روزها هم عزاداری انجام می‌شد. پیش‌ازظهر عزاداران به قبرستان امامزاده میرزمان و بعدازظهرها به بقعه امامزاده ابراهیم مشرف می‌شدند. (خالقی، خلخال، ۱۳۷۶)

مراسم چلاب زدن

در شهر دزفول در هر تکیه یا هر مسجدی، بعد از روضه خوانی مردم جمع می شدند. جوانان به شکل دایره، زنجیروار به هم می چسبیدند؛ به طوری که هر نفر با یک دستش بند شلوار نفر جلویی را می گرفت و با یک دست دیگرش چلاب می زد. حلقه جمعیت که شکل گرفت، افراد با دست آزاد خود در حالی که یک پای خود را بلند می کردند و بر زمین می کوبیدند، سینه می زدند و باز در حالی که به سینه زنی ادامه می دادند، پا را هماهنگ با سینه به زمین می کوبیدند و دایره وار می چرخیدند. نوحه گر نیز در وسط سینه زنان یا چلاب زنان بود. به این طریقه سینه زنی، چلاب زدن می گفتند. (افشاریان زاده، دزفول، ۱۳۵۱)

مراسم سنج و دمام زنی

واژه «سنج» به احتمال زیاد عربی و از نوع سازهای کوبه ای فلزی است. در متون قدیم فارسی، جزو آلات امتناعی؛ یعنی سازهای ضربی به شمار می رفت. سنج بوشهری دو صفحه مدور فلزی با شانزده تا بیست و یک سانتیمتر طول بود و حدود ۵۰ میلیمتر ضخامت داشت و وسط آن کمی گود بود.

دمام نیز طبل بزرگی بود که دو طرف آن را پوست بز، آهو یا میش می گرفتند. اصل این



کلمه در هندی «دمامه» است. دمامه در لغت معانی مختلفی دارد: کوس، نقاره و نای بزرگ که در جنگ می نواختند. سنج یکی از آلات فلزی با بدنه ای به شکل یک کاسه بزرگ با پارچه ای پوستی بود. اجرای قطعه با نواختن بوق، دمام و سنج شروع می شد.

مراسم عزاداری در بوشهر از

قدمت طولانی برخوردار است و این مراسم بدون اجرای قطعه سنج و دمام معمولاً با

کمبود جمعیت و شرکت‌کننده روبه‌رو می‌شود. اجرای این قطعه و افسون صدای آن، هر شنونده‌ای را بی‌اختیار به طرف خود می‌کشد: همه برای دیدن نوازنده‌ها و مراسم، به سمت محل هجوم می‌آورند و به دور آنها جمع می‌شوند؛ طوری که ازدحام جمعیت مانع دیدن نوازنده‌ها می‌شود. اغلب تماشاچیان همان‌هایی هستند که از کودکی این رسم را بارها دیده‌اند، ولی با این همه، با شور و اشتیاق به تماشا می‌آیند و گاه نیز با پاهای، دست‌ها یا با دهان خود این مراسم را بی‌اختیار تقلید می‌کنند، گویی صدای آن در بند بند وجودشان ریشه گرفته است.

این رسم یکی از هیجان‌انگیزترین، پرتماشاچی‌ترین و دیدنی‌ترین مراسم محرم در بوشهر به‌شمار می‌رود. یکی از صحنه‌های زیبای این آیین که حال و هوای خاصی نیز به آن می‌دهد، طریقه احساس و ارتباطی است که نوازندگان با ساز خود برقرار می‌کنند و در این میان نوازندگی و حالت فیزیکی نوازنده دمام اشکون [رهبر گروه] بیشتر از همه جلب توجه می‌کند.

بیشتر این نوازندگان در حین نواختن، حالت‌های مخصوصی به خود می‌گیرند و بعضی از آنها با چشمانی بسته آهنگ پایه سنج و دمام را برای خود تکرار می‌کنند و برخی نیز شعر مخصوصی را با خود زمزمه می‌کنند و هم‌زمان می‌نوازند. عده‌ای چشمان خود را باز می‌کنند و به نقطه‌ای خیره می‌شوند، گویی که حادثه‌ای جلوی چشمان آنان مجسم می‌شود و بدون حرکت زیاد بدن، چنان ضربات سهمگینی می‌کوبند که گویی الآن پوست دمام پاره می‌شود. بعضی دیگر نیز در اوج نواختن اشک می‌ریزند.

مردم شهر بوشهر به اجرای این رسم اهمیت ویژه‌ای می‌دهند و برای نوازندگان سنج و دمام و دسته‌های سینه‌زنی احترام خاصی قائلند، زیرا آنها از محبوبیت زیادی در بین مردم برخوردارند و مردم برای تحسین به آنها ماشاءالله و «مرواتون همی سال»^۱ می‌گویند.

دسته دمام‌زنی پیشاپیش دسته‌های سینه‌زن، زنجیرزن، عزادار، علم، کتل و تعزیه‌گردان حرکت می‌کردند. در حقیقت نوعی طبل جنگی بود که دسته آن جلو لشکر حرکت می‌کرد و لشکریان را تهییج می‌نمود. برای اجرای مراسم، دسته‌های سنج و دمام، قطعه خود را از

۱. اصطلاحی است معادل «صد سال»

مکانی که مشخص شده بود، شروع می‌کردند؛ به طوری که همه اهالی محل صدای آن را می‌شنیدند.

پس از چند دقیقه نوازندگی، گروه به حرکت خود ادامه می‌داد و هنگامی که به پایان مسیر خود، یعنی محل برگزاری مراسم سوگواری می‌رسیدند، بعد از چند دقیقه قطعه را قطع می‌کردند. نوا و آهنگ این مراسم با توجه به اقتضای شرایط زمانی آن حزن‌انگیز بود. مدت اجرای مراسم بسته به شرایط زمانی بود که دسته سنج و دمام به هنگام نواختن ساز در آن قرار داشتند. برای مثال امکان داشت گروه در حین نواختن خیلی کند حرکت کند یا مسیر خود را طولانی‌تر سازد یا فرصت برای شروع مراسم سینه‌زنی زیاد بود که در این صورت مراسم طولانی‌تر یا برعکس آن کوتاه‌تر می‌شد. در هر صورت اجرای این مراسم معمولاً بیشتر از نیم ساعت به طول نمی‌انجامید.

تعداد دمام‌ها در دسته‌ای که مراسم سنج و دمام را اجرا می‌کردند، معمولاً هفت عدد بود. طریقه نواختن دمام چنین بود که به تناسب نفرات، مثلاً ۸، ۱۰ یا ۱۲ نفر، طناب مخصوص دمام را روی دوش به طرف چپ یا راست حمایل می‌گذاشتند و با چوبی که در دست راست داشتند، به پوست سمت راست و با دست چپ، بدون چوب به طرف چپ می‌نواختند. رهبر دمام نیز که در اصطلاح به او «اشکون» می‌گفتند، بقیه را رهبری می‌کرد.

غمبر^۱ نواها با یک چوب به پوست راست و با دست به پوست چپ می‌زدند و به طور یکنواخت آهنگ ادامه می‌یافت، اما اشکون با چوب‌های متعدد و ضربه دست، جواب همه غمبرها را می‌داد. در حقیقت این نوع اجرا شبیه نوعی اپرا بود که عده‌ای می‌خواندند و یک نفر بازخوانی می‌کرد. در این نوع ایستادن نوازنده‌ها، محل اجرا یعنی کوچه‌های تنگ و باریک محله‌های قدیم بوشهر بی‌تأثیر نبود. در واقع نوازنده‌ها برای اینکه بتوانند کار همدیگر را ببینند و ارتباط لازم را با سایر نوازنده‌ها برقرار کنند و نیز شیوه نواختن خود را با یکدیگر منطبق سازند تا در نتیجه بتوانند آهنگ و نوا را با کیفیتی بالاتر کنترل کنند، این گونه می‌ایستادند. (منصوری، بوشهر، بی‌تا)

۱. «qember»: نزدیک‌ترین شخص به اشکون نواز است که وظیفه تهییج و تحریک اشکون نواز را بر عهده دارد.

جمع‌بندی

عاشورا، واقعه‌ای که در سال ۶۱ هجری در صحرای سوزان کربلا روی داد و خلوص بی‌بدیل آن، چه در کلیت و چه در عناصر تشکیل‌دهنده‌اش، این واقعه را به ماندگارترین رخدادهای تاریخی مبدل ساخت و منشأ زنجیره حوادث و جنبش‌هایی در طول تاریخ ایران شد. دین و مذهب علاوه بر جنبه قدسی و الهی خود یکی از نظام‌های اصلی و مهم جامعه است که وظایف و کارکردهای ویژه خود را دارد. به عبارت دیگر، دین علاوه بر آنکه جهان‌بینی و ایدئولوژی انسان مسلمان را تشکیل می‌دهد و راهنمای زندگی این جهانی و آن جهانی فرد مسلمان است، می‌تواند عقاید فرهنگی متعالی انسان را هم حفظ و تثبیت کند. همچنین این نظام، راهنمایی‌هایی برای رفتار اخلاقی فراهم می‌آورد و رفتارهایی نمادین را توصیه می‌کند. بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که دین همانند تمام نهادهای اجتماعی دیگر نیازهای افراد را تأمین می‌کند و کارکردهای روان‌شناختی و اجتماعی در جامعه امروز دارد. در باب کارکردهای اجتماعی می‌توان به نمونه‌هایی چون کمک به جامعه‌پذیر کردن افراد، حمایت از دیگر نهادهای اجتماعی جامعه از طریق تأمین راهنمایی‌هایی برای رفتار مناسب، کاستن از سرعت تغییرات اجتماعی، تقویت عقلانیت و حمایت از احساسات گروهی خاص در جامعه، تحکیم پیوند، انسجام و همبستگی گروهی و ایجاد احساس تعلق به دیگران اشاره کرد. در کل، کارکردهای دین را می‌توان در سه محور انسجام‌دهندگی، سازمان‌دهندگی، ایمنی‌دهندگی خلاصه کرد. مجالس مذهبی بویژه سوگواری‌ها در قالب‌های مختلفی چون روضه‌خوانی، نوحه‌خوانی، و نیز در خطابه‌های واعظان و سخنرانان، مقاطع برگزیده‌ای از زندگی امامان شیعه علیهم‌السلام و اهل بیت ایشان را برای مخاطبان خود بیان می‌کنند. با توجه به معیار بودن سیره و منش ائمه معصومین علیهم‌السلام برای شیعیان این نقل‌ها، کارکرد اسوه‌سازی هم دارند. مجالس مذهبی از طریق ارائه مستمر تصاویری واقعی و ملموس و با بهره‌گیری از بیانی داستانی و قابل فهم برای عموم، این امر را برای مخاطبان خود تسهیل می‌کنند و به نوعی این کارکرد به الگوگیری افراد شرکت‌کننده در مجلس از سیره فردی اهل بیت علیهم‌السلام منجر می‌شود. این وجه اجتماعی الگوگیری گروه‌ها و توده‌ها از سیره جمعی اهل بیت در کارهایی چون ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی و غیره جلوه‌گر می‌شود. برای مثال تأکید بر روایت «کل یوم عاشورا و کل

ارض کربلا» و نیز شبیه‌سازی‌هایی که در دوران انقلاب از آن صورت می‌گرفت، به این شیوه قابل ارزیابی است. در الگوی آرمانی، تحقق کامل این دو وجه و تلفیق آنها می‌تواند تصویری روشن از یک جامعه شیعی (جامعه‌ای سازنده، آگاه و انقلابی، متشکل از افرادی خودساخته و مبارز) به دست دهد.

مجالس و هیئت‌های مذهبی از طریق منبرهای وعظ و خطابه نیاز مخاطبان خود به تعمیق و تعمیم باورهای دینی را برطرف می‌کنند. برگزاری مستمر این مجالس با یادآوری و مرور چندین باره مباحث اعتقادی، بستر مناسبی را برای گسترش، عمق‌بخشی و نهادینه کردن آن مفاهیم فراهم می‌آورد. (مظاهری، ۱۳۸۷: ۲۱۵)

دقت و مطالعه عمیق در قیام امام حسین علیه السلام نشان می‌دهد که این حادثه اگرچه در مکان خاصی اتفاق افتاده و محدود به زمان معینی بوده است، اما حقیقت آن، مطلق و مجرد از زمان و مکان بوده و خاصیت الگوپذیری در ذات آن نهفته است.



منابع

۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۸۷) بحارالانوار، قم: اسلامیه.
۲. حسام‌مظاهری، محسن (۱۳۸۷) رسانه شیعه (جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری)، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی و شرکت چاپ و نشر.

فرهنگیاران

- اختری، محمد، گرگان، گلستان، ۱۳۴۶
- افشاریان‌زاده، عبدالرحیم، دزفول، خوزستان، ۵۱/۱۲/۲۶
- امینیان، سینقال، اردهال، اصفهان، ۱۳۷۱
- خالقی، ناصر، خمس، خلخال، اردبیل، ۱۳۷۶
- خرسندی، مهدی، فیروزکوه، تهران، ۴۸/۱۰/۱۳
- رجایی‌زفره‌ای، محمدحسن، اصفهان، ۱۳۸۱
- رضایی، جواد، مشهد، خراسان رضوی، ۱۳۷۷
- سامعی، نریمان، خور و بیابانک، اصفهان، ۱۳۴۶
- سلامی، عبدالنقی، سمنان، ۱۳۸۵
- صحیدم، علی، شیراز، فارس، ۱۳۴۶
- قومی، علی‌اکبر، سرخه، سمنان، ۴۹/۹/۲۱
- کازرونی‌زند، عمّار، اختیارآباد، کرمان، ۵۳/۳/۱
- کرزبیری‌احمدی، غلامحسین، بروجرد، لرستان، ۸۱/۱۱/۱۸
- معماریان، محمد، قم، ۱۳۷۷
- منصوری، غیاث‌الدین، بوشهر، بی‌تا
- نائینی، مهرداد، آمل، مازندران، ۱۳۷۷
- وکیلی، بی‌نام، بروجرد، لرستان، ۴۷/۲/۲۶
- هراتی‌زاده، رضا، فردوس، خراسان رضوی، ۱۳۴۶